

ادبیات روم باستان

ادبیات روم باستان را به سه دوره تقسیم می‌کنند.

الف - دوره‌ی جمهوری

ب - دوره‌ی آگوستوس

ج - دوره‌ی امپراتوری

دوره‌ی جمهوری

قرن پنجم قبل از میلاد، روم شاهد برتری نظامیان در امور مملکتی بود که قدرت مطلقه‌ی فرمانروایان را به هم ریخت و شالوده‌ی نظام جدیدی به نام جمهوری را به کار بست. آن‌چه که در ادبیات روم قابل تأمل است این است که ادبیات یونانی چنان بر زندگی مردم روم نفوذ کرده بود که نویسندگان رومی آثار خود را به تقلید از نویسندگان یونانی می‌نوشتند. «آندروونیکوس» که خود یونانی‌الاصل بود پدر ادبیات روم شناخته می‌شود. او اودیسه‌ی هومر را به زبان لاتین ترجمه کرد (حدود ۳۴۰ ق.م).



کلوزیوم - رُم ایتالیا

دومین نویسنده روم «کینوس ناویوس» صاحب نخستین حماسه‌ی لاتین به نام جنگ پونیک است، که از ادبیات یونانی نشأت گرفته است.

همچنین شاعران دیگری چون «پلاوت»، «انی یوس» و «پاکوویوس» نیز همچنان خود را وارث ادبیات یونان می‌دانستند و راه شعرا و نویسندگان یونانی را طی می‌کردند.

دوره‌ی آگوستوس

دوران جمهوری روم با به قدرت رسیدن «اوکتاو» (آگوستوس = آگوست) رو به افول گذاشت.

آگوستوس ابتدا به کمک سربازان، که حقوقشان را افزوده بود، علیه ثروتمندان حرکت کرد و پس از تثبیت قدرت خویش، به صورتی آرام و غیر ملموس، نسبت به افزودن ثروت خود و هوادارانش کوشید. او در سال ۳۶ ق.م بر «بومیه» و در سال ۳۰ ق.م بر مصر چیره شد که در نتیجه‌ی آن آتوننی و کلئوپاترا خودکشی کردند.

قدرت آگوستوس به جایی رسید که نویسندگان صاحب نامی چون «هوراس» و «ویرژیل» نیز او را می‌ستودند. او با کمک القاب و عناوین روحانی که به خود اختصاص می‌داد (مانند آگوست ربّانی، آگوست رهایی‌بخش و نیکوکار) تا سال ۲۷ ق.م بر سراسر روم حکومت کرد. آگوست در این سال با تشکیل یک جلسه‌ی باشکوه در مجلس سنا، از قدرت کناره‌گیری و با القاب روحانی خود گوشه‌گیری اختیار کرد تا در سال ۱۴ ق.م دارفانی را وداع گفت.

دوره‌ی امپراتوری

دوران بعدی که در تاریخ روم به وجود آمد دوران امپراتوری است. این دوران پس از آگوست پای گرفت و با افزایش تسلط روم بر جهان بیش‌تر شد و تا قرن پنجم میلادی ادامه یافت.

حدود دو قرن پس از ظهور مسیحیت و گرایش مردم، به ویژه مردم فقیر، به این دین و عدم توفیق سردمداران حکومتی در سرکوب مردم، رومیان چاره را در این دیدند که با قبول دین جدید همچنان حکومت را در کف قدرت خود داشته باشند. پذیرش دین مسیح و رسمی کردن آن به دستور کنستانتین، امپراتور، صورت گرفت. امپراتوری روم دو قسمت بود:

امپراتوری روم غربی که مرکز آن شهر رُم بود و امپراتوری روم شرقی (بیزانس) که مرکز آن قسطنطنیه (شهر کنستانتین) بود. در این دوره علاوه بر ادبیات حماسی گذشته ادبیات نمایشی و اشعار غنایی نیز گسترش یافت.

اما گسترش مسایل پیش پا افتاده‌ی اجتماعی که از نظر دین مسیحیت قابل قبول نبود شکاف عظیمی را بین مردم و حاکمان روم پیش آورد، تا جایی که در اواسط قرن پنجم میلادی روم غربی تضعیف شد و در اثر هجوم هون‌ها به آن، سقوط کرد. اما روم شرقی تا چند قرن پس از ظهور اسلام نیز به حیات خود ادامه داد تا این که به دست سلطان محمد فاتح منقرض گشت.

ویرژیل

پوبلیوس ویرژیلیوس مارو، حماسه سرای بزرگ روم در سال ۷۰ قبل از میلاد در آند دیده به جهان گشود. ویرژیل از خانواده‌ی متوسطی بود اما به شایستگی پرورش یافت. او تا ۱۶ سالگی به آموختن پرداخت. در ۲۵ سالگی جامه‌ی ویژه‌ی شهروندان رومی را که نشانه‌ی بالندگی و اندیشمندی بود به تن کرد. ویرژیل در سال ۳۹ ق.م. «پوکولیکا» را سرود. در همین زمان با «هوراس» نویسنده‌ی نامدار رومی آشنا شد و به دربار آگوست راه یافت. ویرژیل در سال ۲۹ ق.م. به فکر سرودن «اِنه یید» افتاد که سرودن آن ده سال طول کشید. او در سال ۱۹ ق.م. چشم از جهان فرو بست.

اِنه یید

سرگذشت «اِنه» یا «اِنه یید» را پس از گیل گمش سومری و ایللیاد و اودیسه‌ی یونانی، سومین داستان حماسی جهان دانسته‌اند.

این داستان دنباله‌ی داستان ایللیاد است. ویرژیل داستان خود را از همان جایی که هومر با ویرانی و آتش زدن «تروا» به پایان می‌رساند آغاز کرده است.

در آن هنگام که تروا در آتش می‌سوخست، اِنه پدرش آتشی را بر دوش نهاد و از مرگ نجات داد؛ اما چون در همان زمان بانویش «کریوز» را از دست داد کوشید با گرد آوردن جنگاوران پراکنده، ناکام و نافرجام، با یونانیان بجنگد. پس بر کشتی نشست؛ اما دستخوش کینه و دشمنی «ژونون» و آزمون‌های دشوار و رنج‌های فراوان قرار گرفت. طوفانی ناوگان او را در هم شکست و بر کرانه‌ی آفریقا در پراکند. در آن جا، «دیدون» شهبانوی کارتاژ از اِنه به گرمی استقبال کرد (کتاب اول) و دلباخته‌ی اِنه شد. اِنه نیز داستان سفرهای خود را برای او بازگو می‌کرد (کتاب دوم و سوم). سپس اِنه به فرمان «ژوپیترا» کارتاژ را ترک گفت. دیدون که تاب دوری اِنه را نداشت خود را بر کومه‌ی آتش مرگ بکشت (کتاب چهارم). اِنه به سیسیل رسید و به یاد پدرش بازی‌هایی را ترتیب داد (کتاب پنجم). سپس به «کوم» رفت. «سیسیل» او را یاری کرد تا بتواند در دوزخ فرو رود. اِنه در جهان زیرزمین، در سرزمین سایه‌ها با روان پدرش دیدار کرد و پدر آینده‌ی یرشکوه روم را تا زمان فرمانروایی آگوست برای وی پیش‌گویی کرد. این شش کتاب اول و گزینش بخش‌های گوناگون آن اودیسه را به یاد می‌آورد. شش کتاب دیگر نیز به سروده‌های دلاوری‌های جنگجویان هومر تشابه دارد.

نکته

اگر آدمی تنها در بهشت باشد هرگز به او خوش نخواهد گذشت اما اگر کسی مشغول مطالعه و تحقیق باشد، جهنم تنهایی برای او بهشت برین است.
موريس مترلینگ

خودآزمایی

- ۱- ادبیات روم باستان به چند دسته تقسیم می‌شود؟ نام ببرید.
- ۲- ویژگی‌های دوره‌ی جمهوری روم چیست؟
- ۳- از نویسندگان دوران روم باستان ۲ تن را نام ببرید.
- ۴- عصر آگوست چه شرایط اجتماعی را پیش آورد؟
- ۵- از ویژگی‌های دوران امپراتوری روم نکاتی را بیان کنید.
- ۶- چه تحلیل سیاسی و اجتماعی از دوران مختلف روم دارید؟ بنویسید و در کلاس بخوانید.
- ۷- خلاصه‌ای از داستان‌انه بید را برای دوستان خود در کلاس بیان کنید.

ادبیات شرق در سده‌های میانه



مقبره‌ی امپراتور شی‌هان‌دی - منطقه‌ی زیان‌شان‌زی - چین

نظر به این‌که تقسیم دوران‌های تاریخی به سه بخش قرون قدیم، قرون میانه و قرون جدید، ابتدا از سوی مورخان اروپایی به میان آمده، طبیعی است که در مورد سرزمین‌ها و ملت‌های اروپایی به کار رفته باشد.

در حقیقت سرگذشت مردم چین، هند، ژاپن و کره در زمان یاد شده از طرف تاریخ‌نگاران اروپایی به سکوت برگزار می‌شود و تنها در مواردی از آن‌ها حرفی به میان می‌آید که با تاریخ غرب مناسبتی داشته باشد؛ مثل حمله‌ی «هون‌ها» به قلب اروپا، فتوحات اعراب در اسپانیا، تصرفات مغول در مجارستان، حمله‌ی ترک‌های عثمانی به بیزانس و ورودشان به اروپا. گرایش اروپاییان به شرق نیز، فقط تحلیل انتزاعی تاریخ شرق را بسط می‌دهد و از اثرات فرهنگی و ادبی و هنری شرق در تمدن غرب معمولاً کم‌تر سخن به میان می‌آورند.

دانش تاریخ نشان می‌دهد که قرون وسطی مرحله‌ی معینی از تاریخ بشر است که چه در شرق و چه در غرب، در جهت معینی سیر کرده و از انگیزه‌های واحدی تبعیت نموده است. ادبیات و هنر، در همه جای

جهان سیمای قرون وسطایی خود را نشان می‌دهد. مثلاً در نیمه‌ی دوم قرن هشتم، در چین، در امپراتوری «تانگ» موجی بر می‌خیزد که به صورت نیرومندی در قرن سیزده به جریان فکری عظیمی مبدل می‌شود. در جهان اسلام نیز، به خصوص در ایران اسلامی، بین قرون ۹ تا ۱۱ میلادی حرکت عظیم علمی توسط فارابی، ابن سینا، خوارزمی، بیرونی و... به وجود می‌آید که نه تنها اروپا بلکه کل جهان را با درخشش خود روشن می‌کند.

جنبه‌ی مشخص قرون وسطی این است که در این دوره، ملت‌ها چه در شرق و چه در غرب، در حالی تمدن خود را ایجاد می‌کردند که میراثی از تمدن قدیم داشتند و بدون توجه به بُعد مسافت تحت تأثیر حرکتی واحد قرار داشتند و هیچ نوع جدایی در بین حرکت این اقوام احساس نمی‌شد. این اشتراک فرهنگی پیوند مناسبی را در میان حیات ملت‌ها ایجاد کرده بود. لذا تاریخ همه‌ی اقوام و ملل شرق و غرب، در قرون وسطی به هم تابیده و آمیخته است. عامل این آمیختگی را می‌توان در نقش مذهب و تکامل آن جست‌وجو کرد و گسترش مذهب را (آیین بودا، اسلام، مسیحیت) علت نهایی این پیوند به حساب آورد. به طور کلی خیزش و گسترش فرهنگ در قرون وسطی از شرق به غرب انجام گرفته و غرب را تحت تأثیر قرار داده است. اگر به دیده‌ی انصاف بنگریم می‌بینیم که اگر چه قرون وسطی برای غربی‌ها دوران افول فرهنگ و تمدن به حساب می‌آید ولی برای شرق اوج درخشش تمدن و فرهنگ محسوب می‌شود.

ادبیات هند

هندوستان دارای ادبیاتی غنی بوده و با داشتن تمدن و فرهنگی کهن از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است. در سده‌های میانی با به قدرت رسیدن اکبرشاه و تشکیل امپراتوری هند، و انتخاب زبان فارسی به عنوان زبان رسمی دولتی، ادبیات فارسی بر سرتاسر سرزمین‌های شرق اسلامی از جنوب اروپا تا اقصی نقاط بنگال بسط یافت.

آنچه که از تاریخ برمی‌آید، هواداران «بابریان» به منظور همبستگی با مسلمانان هند آثاری را از زبان سانسکریت به فارسی ترجمه کردند، اکبرشاه و بازماندگان او نیز این راه را ادامه دادند و یکی از مهم‌ترین این آثار «رزم‌نامه» برگردانی از «مهابهاراتا» و «رام و رامین» برگردانی از «رامایانا» می‌باشد.



مهابهاراتا سروده‌ی صدها شاعر بی‌نام و نشان در ادوار مختلف تاریخی است. این حماسه قریب به صد هزار بیت است که از پهلوانی‌ها و پیروزی‌های رجال مذهبی از قبیل کریشنا و آرجونا در آن سخن رفته است. این کتاب در قرن ۱۱ هجری به فارسی ترجمه شد.

رامایانا را در قرن سوم قبل از میلاد، «والمیکی» در چهل و هشت هزار بیت سروده است. این حماسه سرگذشت «راما» یکی از تجسدهای ویشنو، خدای هندوان، است. این کتاب نیز تحت عنوان «رام و رامین» به فارسی برگردانده شده است.

ادبیات چین و ژاپن

چینی‌ها از روزگاران گذشته شعر را دوست می‌داشتند. در دوران امپراتوری تانگ (چین باستان) شعر به اوج شکوفایی خود رسید. مضامین اصلی این شعرها، عشق و دوستی طبیعت بود و در برخی، قهرمانان و جنگ‌جویان را می‌ستودند.

بهترین شاعران این دوران «لی - پو» و «تو - فو» می‌باشند که چینی‌ها به این دو می‌بالند. در آن دوران چین دارای تئاتر و کلاس بازیگری بود، باله و موسیقی وجود داشت. نقاشی به اوج خود رسیده بود، حجاری رواج داشت و معماری مورد توجه همگان بود.

از دیگر هنرها، طلا و نقره‌کاری، مصنوعات برتزی، میناکاری، لاک‌کاری، حکاکی روی عاج و چوب و سنگ رونق فراوانی داشت. از ادبیات آن دوران ژاپن می‌توان «افسانه‌ی گنجی» (بانو موروساکی) را نام برد.



نکته

- سه نوع دوستی سودمند است :
دوستی با درستکاران، دوستی با راستگویان و دوستی با دانایان.
سه نوع دوستی زیان‌آور است :
دوستی با بدنهاد، دوستی با حيله‌گر و دوستی با چرب‌زبان.

کنفسيوس

خودآزمایی

- ۱- تقسیم دوران به سه بخش (قدیم - میانه - جدید) ابتدا از سوی کدام ملت انجام گرفته است؟
- ۲- قرون وسطی به کدام قرون گفته می‌شود؟
- ۳- کدام قرن هجری مقارن با قرون وسطای غرب است؟
- ۴- مسیر حرکت فرهنگی ممالک اسلامی را با ممالک غربی در قرون وسطی مقایسه کنید.
- ۵- امپراتوری اسلامی هند در زمان حکومت کدام پادشاه بنیاد نهاده شد؟
- ۶- مهم‌ترین آثار ادبی هندوستان در زمان اکبرشاه را نام ببرید.
- ۷- رامایانا از سروده‌های کیست؟
- ۸- مضامین اشعار دوران امپراتوری تانگ عموماً از چه موضوعاتی تشکیل شده است؟
- ۹- از قدیمی‌ترین شاعران چین دو تن را نام ببرید.
- ۱۰- از هنرهای دستی چین باستان سه مورد را نام ببرید.
- ۱۱- از ادبیات ژاپن یک مورد را نام ببرید.

ادبیات غرب در سده‌های میانه



کلیسا - معماری دوران مسیحیت

ادبیات اروپا معمولاً با مکتب کلاسیک آغاز می‌شود. اساسی‌ترین تعریفی که از این مکتب ارایه می‌شود «بازگشت به هنر قدیم یونان و روم به تبع نهضت رنسانس و اومانیزم» است. امپراتوری روم غربی (در قرن پنجم میلادی) حتی پیش از سقوط، ارتباط خود را با فرهنگ و ادب یونان بریده بود و وارث فرهنگ یونانی، و حتی مرکز قدرت امپراتوری روم شرقی بود. در غرب به علت رسمیت یافتن زبان لاتین به جای یونانی، حتی در قرون چهارم و پنجم، بی‌توجهی به زبان و فرهنگ یونانی نیز تشدید شده بود.

در زمینه‌ی ادبیات، اختلاف زبان بزرگ‌ترین مانعی بود که رابطه‌ی میان شرق یونانی زبان و غرب لاتینی زبان را قطع می‌کرد. سرانجام سقوط امپراتوری روم غربی و تسلط اقوام گوناگون بر قلمرو وسیع امپراتوری، این قطع رابطه را تکمیل کرد.

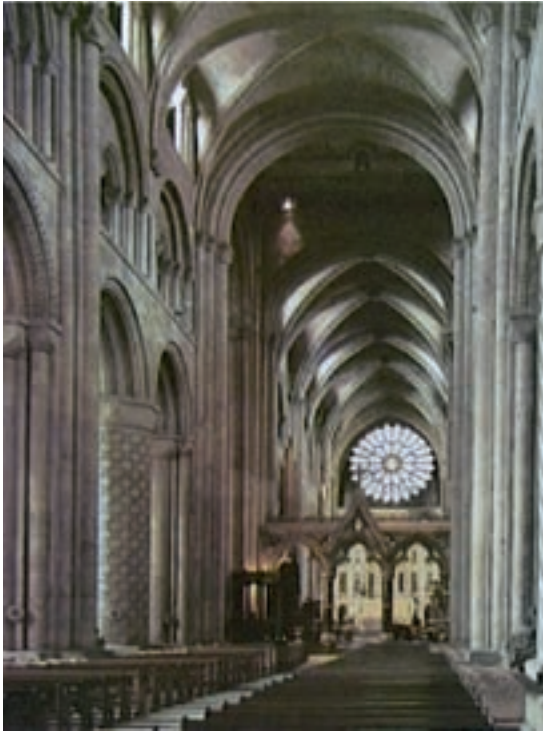
یگانه وحدتی که به جا مانده بود، وحدت زبان و ادبیات بود که آن هم به شدت در معرض تهدید

بود، اما دو عامل مهم سبب شد که از این نابودی جلوگیری شود و قرون وسطی در اروپا ادبیات خاص خود را پیدا کند. این دو عامل عبارت بود از :

۱- نقش کلیسا

۲- پیدایش ادبیات ملی

نقش کلیسا



کلیسای دوران مسیحیت

عامل مذهب و نقش کلیسا، این سرزمین‌های روستایی شده را دوباره سر و سامان داد و روحانیان مسیحی عملاً زمام اختیار حکومت‌ها و مردم را به دست گرفتند.

فرمانروایان فاتح به تدریج دین مسیح را پذیرفتند و کلیساها به صورت مراکز تعلیم و تربیت و نسخه‌برداری و حفظ کتب درآمدند.

تماس دیگر با اندیشه‌ی یونانی در قرون دوازدهم و سیزدهم (معروف به قرون وسطای علیا) از طریق ترجمه‌های عربی دانشمندان اسلامی انجام گرفت که از طریق اسپانیا به ایتالیا و فرانسه رسید و به زبان لاتینی ترجمه شد.

ادبیات لاتین در قرون وسطی

با وجود پاره پاره شدن قلمرو امپراتوری روم، وحدت مهمی که باقی مانده بود وحدت زبان و ادبیات لاتین بود که از یک سو در سایه‌ی کلیسا و از سوی دیگر در سایه‌ی توجه همه‌ی پادشاهان کوچک و بزرگ به عظمت گذشته‌ی امپراتوری دوام یافته بود؛ زیرا هر کدام آن‌ها آرزو داشتند که وارث امپراتوری باشند و جای آن را بگیرند. گذشته از آن که برای تنظیم قوانین و مکاتبات رسمی‌شان از حقوقدان‌های رومی استفاده می‌کردند، در عین حال می‌خواستند به سبک امپراتوران بزرگ،

حامی و مروج ادبیات باشند. سخنوران و شاعران لاتین و حتی آلمانی مدایحی به زبان لاتین می‌سرودند و به شاهانشان تقدیم می‌کردند.

هر چه به اواخر قرون وسطی نزدیک‌تر می‌شویم، توجه بیش‌تری به جنبش‌های ادبی احساس می‌شود. در کنار موجی از سرودها و پرداختن به زندگی قدیسان، یک رشته آثار غیر مذهبی از قبیل تاریخ‌نویسی و حماسه و اشعار غنایی و آموزشی نیز به‌وجود می‌آید.

رشد ادبیات ملی

از قرن یازدهم به بعد در کشورهای مختلف، در کنار ادبیات لاتین، ادبیات ملی نیز به وجود می‌آید و از قرن یازدهم تا قرن سیزدهم به سرعت پیشرفت می‌کند. این ملت‌ها نوشتن با زبان بومی خودشان را آغاز می‌کنند. نخست ملت‌هایی که زیاد با زبان لاتین آشنایی ندارند و فقط عده‌ی کمی از روشنفکرانشان - که معمولاً روحانی هستند - لاتین می‌دانند، یعنی آنگلوساکسون‌ها، سلت‌ها، ایرلندی‌ها، و بعد هم کشورهای شمالی. بعد نوبت ژرمن‌هایی می‌رسد که وارد قلمرو امپراتوری روم شده‌اند که در دانمارک و هلند و بلژیک و کشورهای دیگر به تدریج ریشه‌های این زبان کهن را برمی‌اندازند. سپس نوبت اقوام ساکن فرانسه و شبه جزیره‌ی ایری می‌رسد. آخراً همه، در کشورهای که زبان عامیانه‌ی مردمش با زبان لاتین نزدیکی و خویشاوندی بسیار نزدیک دارد، مانند ایتالیا که تاریخ ادبیاتش از قرن سیزدهم آغاز می‌شود. ولی اقوام ساکن رومانی و نواحی اطراف آن فقط در قرن شانزدهم از زیر تسلط زبان لاتین آزاد می‌شوند و دارای ادبیات خاص خود می‌گردند. ادبیات اسلاو و ترک در قرن چهاردهم قدم به عرصه‌ی وجود می‌گذارند.

خودآزمایی

- ۱- ادبیات غرب را معمولاً با کدام یک از مکتب‌ها شروع می‌کنند؟
- ۲- دوران امپراتوری روم شرقی (بیزانس) از چه قرنی آغاز شد؟
- ۳- کدام عوامل در ادبیات دوران قرون وسطی دخیل بود؟
- ۴- در قرون وسطی بیش‌تر به چه زبانی می‌نوشتند؟
- ۵- در براندازی زبان لاتین چه ادبیاتی دخالت بیش‌تر دارد؟

ادبیات اسپانیای مسلمان

در قرون وسطی تنها یک کشور بود که کاملاً از دایره‌ی درگیری زبان لاتین و زبان‌های عامیانه بیرون می‌زیست و آن اسپانیای مسلمان بود که ادبیات و به طور کلی تمدن اسلامی آن تأثیر عظیمی در دنیای غرب داشت. شعر عربی آندلس در قرون دهم و یازدهم، شاید به استثنای شعر سلتی، یگانه شعر غیر لاتینی بود که در دنیای غرب حایز اهمیت بود. این شعر مستقیماً از شرق و به خصوص از بغداد می‌آمد که در آن زمان مرکز علمی و ادبی جهان اسلام بود. در اسپانیا نیز «قرطبه» چنین مقامی داشت. از این رو می‌توان شعر و تاریخ‌نگاری مسلمانان اسپانیا را در ردیف زبان‌های ملی نوزاد قرار داد؛ زیرا شاخه‌ای از شعر و تاریخ‌نگاری شرق مسلمان بود و چه شاخه‌ی سترگی! شعری که با همه‌ی ظرافت‌های آثار شاعران دربار خلفای بغداد برابری می‌کرد و ادبیات و فلسفه‌ای چنان غنی از اندیشه‌ی فلاسفه‌ی باستانی و مسایل انسانی، که می‌توان با استناد به آن، از نوعی انسان‌گرایی اسلامی اسپانیا سخن گفت. چنان که گفتیم غرب بیگانه با ادبیات و فلسفه‌ی یونان قدیم، از طریق اسپانیای مسلمان بود که دوباره با آثار بزرگان باستان آشنا شد.



دیواره‌های شهر باستانی آویلا - مرکز اسپانیا - ساخت مسلمانان شمال آفریقا

ادبیات لاتین در دوره‌ی رنسانس

پیدایش زبان‌های ملی در اروپا به مفهوم ترک زبان لاتین نبود، بلکه با این زبان‌ها مرحله‌ی تازه‌ای در کاربرد زبان لاتین آغاز شد که تأثیر عظیمی در پیدایش ادبیات دوره‌ی رنسانس برجای گذارد. قرون وسطی در تمام مدت از زبان لاتین استفاده می‌کرد، بی‌آن که توجهی به زیبایی آن داشته باشد، اما دوران رنسانس عملاً در خدمت زبان لاتین درآمد. سابقه‌ی این تحوّل را باید در چند قرن پیش جست‌وجو کرد.

چنان که گفتیم از قرن یازدهم به بعد زبان‌های ملی و لهجه‌های محلی کاربرد عمومی پیدا کردند که عملاً برای رفع احتیاجات گوناگون کافی بودند. در نتیجه زبان لاتین به صورت زبانی معنوی و برجسته درآمد. از آن پس دیگر، زبان لاتین در نظر اهل ادب، از انواع زبان‌های مختلف بربر محسوب نمی‌شد که عاری از خصوصیات ممتازی باشد، بلکه به عنوان زبان «سیسرون» و «ویرژیل» مطرح بود.

میراث یونان و دوران رنسانس

سقوط قسطنطنیه تاریخ دقیق و روشنی دارد: در سال ۱۴۵۳، قسطنطین دوازدهم، امپراتور روم شرقی در زیر ویرانه‌های کاخ خویش که به اشغال سپاهیان سلطان محمد فاتح در آمده بود، جان می‌سپارد. ترک‌ها قلمرو امپراتوری و اضافه بر آن، سرزمین‌های اروپای مرکزی را نیز به تصرف در می‌آورند. آخرین بقایای دولت روم نابود می‌شود و به همراه آن تمدن یونانی که رومی‌ها وارث آن بودند نیز از بین می‌رود.

همین تاریخ ۱۴۵۳ تغییرات مهمی را در غرب اروپا به همراه می‌آورد: جنگ‌های صد ساله، سرانجام به پایان می‌رسد، صنعت چاپ گسترش می‌یابد و نهضتی فکری شکوفا می‌شود که آن را رنسانس (نوزایی) می‌نامیم.

ادبیات اسپانیا

اسپانیا در پایان سده‌ی ۱۶ و آغاز سده‌ی ۱۷ به اوج شکوفایی دست یافت و در زمینه‌ی ادبیات، نقاشی، معماری و سایر رشته‌های هنری ممتاز شد.

بزرگ‌ترین نماینده‌ی ادبیات اسپانیای آن روز «سرواتس» (۱۵۴۷ – ۱۶۱۶م) است. او رمان داهیانهای به نام «دن کیشوت» از اهل مانش را به رشته تحریر کشید که تاکنون به اکثر زبان‌های دنیا ترجمه شده است.

دن کیشوت تصویر روشن و صادقانه‌ای از زندگی اسپانیای قرن شانزدهم است. سروانتس



معماری مسجد مسلمانان — اسپانیا

سرگذشت مردی اشرافی و در عین حال سفیهی به نام دن کیشوت را که مجذوب داستان‌های قهرمانان گذشته شده، با زبان مضحک و در عین حال غم‌انگیز، بیان می‌کند. دن کیشوت، به امید انجام کارهای خیر (همچون شوالیه‌ها) به سیر و سفر می‌پردازد. او سراسر، نجابت و شرافت است، لیکن در قالبی احمقانه. سروانتس در این داستان، نه فقط اشراف روبه زوال اسپانیا، بلکه خود اسپانیا را به نقد می‌کشد.

خودآزمایی

- ۱- در اسپانیای مسلمان علاوه بر شعر سلتی اشعار به چه زبانی سروده می‌شد؟
- ۲- بزرگ‌ترین مسجد کشور اسپانیا چه نام دارد؟
- ۳- قسطنطنیه (مرکز امپراتوری روم شرقی) در چه سالی و به دست چه کسی سقوط کرد؟
- ۴- بزرگ‌ترین نویسنده‌ی اسپانیا در قرن ۱۶ کیست؟ نام اثر معروف او را بیان کنید.
- ۵- سروانتس از نوشتن داستان دن کیشوت چه منظوری داشت؟

بهشت گمشده (میلتون)

جان میلتون از ادبا و شعرای بزرگ انگلستان است. او در سال ۱۶۰۸ م در لندن متولد شد. تا ۲۴ سالگی به تحصیل پرداخت و زندگی او بیش‌تر در امور سیاسی سپری شد. میلتون در اثر مطالعه‌ی بیش از حد بینایی خود را از دست داد. معروف‌ترین اثر میلتون «بهشت گمشده» است که در سال ۱۶۶۷ منتشر شد و امروزه شهرت او بیش‌تر مدیون این اثر می‌باشد. منظومه‌ی بهشت گمشده در وصف عصیان شیطان و سقوط او و اغوای حضرت آدم، و هبوط او به زمین سروده شده است. این کتاب بعد از «کمدی الهی» دانته از شاهکارهای مسلم ادبیات غرب در این زمینه به حساب می‌آید.

در قسمتی از کتاب اول چنین می‌خوانیم:

شیطان با بانگی چنان بلند که در سراسر ژرفنای دوزخ طنین افکند گفت: «ای شاهزادگان، ای حاکمان، ای سلحشوران، ای گل‌های سر سبد آن آسمانی که پیش از این از آن شما بوده و اکنون از دستتان رفته است! آیا حیرتی چنین، ارواحی جاودانی را فرا تواند گرفت؟ یا شاید پس از خستگی‌های مَصاف، این مکان را برای آسایش از تلاش دلاورانه‌ی خویش برگزیده و خفتن در آن را چون در دره‌های آسمان شیرین پنداشته‌اید؟ و یا آن‌که در چنین نابسامانی سوگند خورده‌اید که از در پرستش حریفِ پیروزی برآید که اکنون به کروبیان، سرافین^۱ افکنده سلاح، شکسته پرچم و کوفته تن خویش می‌نگرد؟ اما زود باشد که وزیران چالاکش از دروازه‌های آسمان به وضع ممتاز خود بی‌برند و لاجرم فرود آیند تا بر سر ما که چنین «نالان و نزار افتاده‌ایم پای نهند، و به تدوین صاعقه به بندمان افکند و در ژرفنای این ورطه به زنجیرمان کشند! بیدار شوید و بر پای خیزید و گرنه جاودانه از پا افتاده خواهید ماند!»

دانته (۱۲۶۵ تا ۱۳۲۱) و کمدی الهی

دانته نویسنده‌ی بزرگ ایتالیایی و بزرگ‌ترین اثر ادبی او کمدی الهی است. دانته در این کتاب

۱- سرافین = دسته‌ای از فرشتگان نزدیک به خداوند

حکایت می‌کند که چگونه در جنگل انبوهی سرگردان بوده که «ویرژیل» شاعر باستانی روم بر او ظاهر می‌شود و آن دو به اتفاق به دنیایی دیگر سفر می‌کنند.

کمدی الهی در سه بخش نوشته شده است: جهنم، برزخ و بهشت.

دوزخ از نظر داتنه به شکل کیفی تجسم می‌یابد که از سطح زمین به اعماق آن فرو رفته است. او از محفل جهنمی یاد می‌کند که گناهکاران در آنجا نسبت به معاصی خود گرفتار عذاب‌اند. در یکی از این محفل‌ها گناهکاران مشغول شکستن سنگ‌های عظیم‌اند، در محفلی دیگر در دریاچه‌ای آتشین می‌سوزند و در دیگری با سرمای مدهشی مجازات می‌شوند. داتنه خیانت را دهشتبارترین گناهان می‌داند.

در این‌جا لازم است به تشابه این کتاب با کتاب ارداویراف‌نامه‌ی زرتشتیان اشاره کنیم. داتنه در کمدی الهی خود معتقدات قرون وسطی را به تصویر می‌کشد، لیکن دیدگاه‌های زمانه و زندگی خود را نیز در آن منعکس می‌سازد و آزادی احساس را می‌ستاید. این کتاب علاوه بر این که یک اثر ادبی است، به عنوان یک دایرة المعارف قرون وسطی نیز محسوب می‌شود.

خودآزمایی

- ۱- معروف‌ترین اثر «جان میلتون» نویسنده و شاعر بزرگ انگلستان را نام ببرید.
- ۲- «میلتون» در منظومه‌ی «بهشت گمشده» چه مسایلی را مطرح می‌سازد؟
- ۳- «داتنه» اهل کدام کشور بود و در چه قرنی می‌زیست؟
- ۴- «کمدی الهی» در چند بخش نوشته شده است؟
- ۵- چه تشابهی بین «کمدی الهی» و «ارداویراف‌نامه» موجود است؟

فهرست منابع

- ۱- کزازی، میر جلال‌الدین؛ انه بید (ویرژیل)
- ۲- نفیسی، سعید؛ ایلپاد و اودیسه
- ۳- هومر؛ ایلپاد و اودیسه
- ۴- یونسی، ابراهیم؛ سیری در ادبیات غرب

واژه‌نامه

بهایم : چارپایان

به پایان رساند : پایان بخشید

بمپاید : نماند، نایستد

پ

پای‌افزار : کفش

پدرام : آرام

پیر سر : سفید موی

پیشتو : تپانچه

ت

تحرّز : پرهیز کردن

تحيّت : درود و سلام

تخمک : شیپور

تصوّن : خود را حفظ کردن

تعظیم حالت شیخ را : برای بزرگداشت حالت

شیخ

توزی : کتانی

تومبک : طبل

ج

جای پرداز : خانه را خالی کن

چ

چاشتگاه : قبل از ظهر

آ

آزم : شرم و حیا

الف

از این شیوه : از این روش (روش عارفان)

از دست نهادن : فرو گذاشتن

استومند : مادّی

افسون : حيله، تزوير

افگار : زخمی

الف گرفتند : دوست شدند

اندر ساعت : فوراً، همان‌دم

اوام : وام، قرض

اوراد : جمع ورد (دعا)

اوکند : افکند، انداخت

ایدون : چنان

ایذا : اذیت

ایران ویج : ایران باستان

ایزد عزّ ذکره : خدایی که ذکر او عزیز است

ایسیه : آسیه، همسر فرعون

ب

بادافره : کیفر

باشد که : ممکن است، امکان دارد

بر اثر : به دنبال

سَمّ الخياط : سوراخ سوزن خیاطی

ش

شبگیر : صبح قبل از طلوع
شراع : سایه بان

ص

صاحب قبضم : متصرفم
صائم الدهر : کسی که همیشه روزه دار باشد
صرّه : کیسه ی پول
صهیل : شیبه

ض

ضیعت : کشت و زرع

ط

طیفور : نام بایزید بسطامی

ع

عقد : گردنبند
علی ایّ حال : بنابراین

غ

غریو : بانگ و فریاد
غزو : جنگ و پیکار

ف

فارغ شد : آسوده گشت
فرس : اسب
فسرده بود : منجمد شده بود

ح

حالی : فوراً، در حال
حُطام : مال دنیا
حَکَم : داور

خ

خصوصتی نیوستم : مانع او نشدم

د

دیرستان : مدرسه
دراز کشید : طول کشید
در حلقه بنشستندی : دایره وار می نشستند
درگذشتگان : مردگان
دستوری : اجازه دادن
دعوی : ادّعا
دوال : چرم، پوست حیوانات

ر

رصاص : سرب
ریاضت : تحمل رنج برای تهذیب نفس

ز

زایل نگشت : از بین نرفت
زره ی چهار کرد : نوعی زره ی جنگی
زَنیش : زدن

س

سَباع : درندگان
سپری شدن : نابود شدن، معدوم شدن
سخره : بیگاری

ق

قبط : نام مردم مصر قدیم
 قشور : جمع قشر (پوست)
 قه : (قدّس الله سرّه)،
 خدا خاک او را پاکیزه کند

ک

کبک انجیر : کبک سیاه رنگ
 کدخدایی : پیشکاری
 کوشک : قصر، کاخ
 کیش : تیردان، جای تیر

گ

گرازان : خرامان
 گَزَر : هویج
 گُشنی : جفت گیری

ل

لَبّ : مغز

م

ماوراءالنّهر : ترکستان
 متعبّد : بسیار عبادت کننده
 مجاورت : همسایگی
 مجلس می گفت : موعظه می کرد
 مخذول : بدبخت، منفور
 مخنقه : گردن بند
 مصادقت مؤکد گشته بود : راه و رسم

دوستی استوار شده بود
 معهود : معروف، عهد کرده شده
 مقصور : حاصل
 ملّت : دین
 مثنور : به نثر
 منجمان : ستاره شناسان

من عرف نفسه فقد عرف ربه : هر کس خود را
 شناخت خدایش را شناخت
 مهتران : بزرگان
 میهنه : (مهنه) از شهرهای خراسان

ن

نبايد : مبدا
 نخوت : غرور
 نزهت : خرّمی، سرسبزی
 نسلشان به نشود : دودمانشان نابود نشود
 نشیم : آشیانه، لانه
 نفاذ یابد : حکم صادر شود
 نَمَط : روش
 نیازست : جرأت نداشت

و

ورتین : گردونه

هـ

هزاهز : آشوب

